

هوش مصنوعی به جای انسان؟



پریسا حاجی محمدی

دکتری کسب و کار حرفه‌ای

در یک چشم‌انداز اینطور مطرح می‌گردد که، آیا هوش مصنوعی می‌تواند به سطح تفکر انسان برسد و سپس از آن فراتر رود؟ به طور معمول، محققان به دنبال سنجش توانایی مدل‌های رایانه‌ای برای دستیابی به اهداف پیچیده هستند، مانند برنده شدن در بازی یا انجام مکالمه‌ای که به نظر می‌رسد به اندازه کافی انسانی به نظر می‌رسد و برای فریب دادن مخاطب کافی است. این رویکرد دارای یک محدودیت روش شناختی و کلیدی است. قبل از اینکه کسی بتواند ادعا کند که این برنامه به اندازه یک انسان فکر می‌کند، هر AI (هوش مصنوعی) باید روی هر هدف انسانی قابل تصور آزمایش شود. بنابراین روش‌های جایگزین مورد نیاز است. علاوه بر این، تمرکز روی «هدف» با ویژگی‌های فکر انسان، مانند احساسات، تجربه ذهنی، یا درک رادر بر نمی‌گیرد. علاوه بر این، هوش مصنوعی واقعا خلاق نیست. هوش مصنوعی نمی‌تواند با استفاده از روش‌هایی مانند استعاره و تخیل، بین موضوعات کاملاً متفاوت ارتباط برقرار کند تا به نتایج جدیدی برسد و هرگز اهداف در صورتی که صریح و ملموس نباشند قابل برداشش برای هوش مصنوعی نیست زیرا ارتباط‌های ظریفی در ذهن انسان بهم پیوسته و پیچیدگی قابل چیدمان است که هوش مصنوعی نمی‌تواند تحلیل‌شان کند. مدل‌های هوش مصنوعی اغلب به عنوان شبکه‌های عصبی مصنوعی تصور می‌شوند، اما تفکر انسان به نورون‌ها محدود نمی‌شود. به علاوه محاسبات بخش کوچکی از تفکر آگاهانه انسان را منعکس می‌کند و خود فکر آگاهانه تنها بخشی از ماهیت اصلی فکر و هوش و مغز انسان است و حجم عظیمی از ناخودآگاه در پشت صحنه جریان دارد. بنابراین هوش مصنوعی از نظر فکری از انسان‌ها فاصله معنادار و زیادی دارد. هوش مصنوعی دهه‌ها است مورد مطالعه قرار گرفته است و هنوز یکی از مبهم‌ترین موضوعات است. هیچکس نمی‌تواند توانایی کامپیوتر در برداشش منطوق را در کند، اما برای بسیاری افراد اینکه آیا یک ماشین می‌تواند فکر کند یا خیر مبهم است. پیشرفت در هوش مصنوعی برای اکثر مردم قابل توجه نیست و تقریباً به جای ماشین‌های سخنگو که برای هدایت کشتی‌ها و فضاپیماها استفاده می‌شود از هوش مصنوعی برای بررسی تاریخچه خرید و تأییدگذاری بر تصمیمات آتی مصرف‌کنندگان نیز استفاده می‌شود. در سال ۲۰۲۳، حضور روزافزون هوش مصنوعی در زندگی روزمره ما بحثی جذاب را برانگیخت و انسان را بر آن داشت که آیا ماشین‌ها می‌توانند در حوزه خلاقیت و داستان‌سرایی از انسان‌ها پیشی بگیرند؟ آیا رسماً می‌توانیم اعلام کنیم ماشین‌های مجهز به هوش مصنوعی، توانایی تصمیم‌گیری هم خواهند داشت؟ از آنجا که ابزارهای هوش مصنوعی مانند Chat GPT، Stability Diffusion و تعداد بی‌شماری دیگر به ظهور ادامه می‌دهند، ما خود را در دوراهی می‌بینیم و اینکه به ساخت حضوریهای مختلفی مانند زیر سوال می‌بریم. آیا داستان‌سرایی که برای هزاران سال در فرهنگ بشری نقش محوری داشته است و امکان انتقال دانش، ارزش‌ها و اطلاعات را به نسل‌های مختلف می‌دهد، زوال پذیر خواهد شد؟ یا پیشرفت سریع هوش مصنوعی، زمان آن فرا رسیده است که بررسی کنیم آیا توانایی‌های منحصر به فرد، منحصراً انسانی باقی می‌ماند یا اینکه ماشین‌ها در نهایت رهبری را به دست خواهند گرفت و آیا این امر خطر محسوب می‌گردد یا فرصت پرداختن انسان‌ها به شگفتی‌های دیگر را فراهم می‌آورد؟ سیستم‌های هوش مصنوعی فعلی اساساً مبتنی بر تخصص الگو و استنتاج آماری از مجموعه‌ای از داده‌های بزرگ هستند. ماشین‌هایی که نوعی هوشیاری یا تفکر را به دست می‌آورند، بین متخصصان در زمینه‌های مختلف و البته متخصصان هوش مصنوعی مورد بحث است و این نگرانی وجود دارد که فناوری هوش مصنوعی پیشرفت‌های قدرتمندی را قادر به تفکر باشد، می‌تواند دودمان بشریت را بیاد دهد؟ هوش مصنوعی در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله تشخیص و تولید محتوا، پردازش زبان، ایجاد تصویر ویدئو، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، پیشرفت‌های چشمگیری دارد. با این حال، یکی از عملکردهایی که هنوز به طور موفقیت‌آمیزی به دست نیاورده، ایجاد افکار کاملاً ناب است و تفکر ناب را می‌توان به عنوان توانایی ایجاد راه‌حل‌ها یا ایده‌های جدید بدون آموزش صریح بر روی آنها تعریف کرد. در این صورت، برخی از مدل‌های هوش مصنوعی در حال حاضر این قابلیت را تا حدی نشان می‌دهند. با این حال، برای دستیابی به هوش مصنوعی به شکلی از تفکر که منعکس‌کننده اصالت و خلاقیت انسان باشد، نیازمند پیشرفت‌هایی در درک آگاهی و شناخت انسان و سپس ترجمه آن درک به مدل‌های محاسباتی است. پیش‌بینی یک جدول زمانی برای چنین پیشرفت‌هایی توسط دانشمندان، فقط در حد حدس و گمان است، اما پیشرفت قابل توجهی می‌تواند در چند دهه آینده حاصل شود که تأکیر به پذیرش آن هستیم. حال موضوع اصلی هنوز بر قوت خود باقی است که آیا هوش مصنوعی جای انسان را خواهد گرفت یا نه؟

نکته

دستور شجاعانه پزشکيان درباره مازوت

در چند سال اخير و با ايجاد محدوديت‌ها در صادرات مازوت کشور، بعضی از نیروگاه‌ها به اجبار مازوت می‌سوزاند‌ه‌اند. سوزاندن اجباری مازوت همواره موجب افزایش حساسیت‌های زیست محیطی بوده است. از یک سو الزام به سوزاندن مازوت و از سوی دیگر ضربه به محیط زیست، اجازه تصمیم‌گیری را به مسئولان نمی‌داد. اخیراً رییس جمهور تصمیم مهمی اتخاذ کرد و دستور داد در سه نیروگاه مازوت سوزاندن نشود. علی‌ریبی، دستیار اجتماعی رئیس جمهور با اشاره به دستور دکتر پزشکيان برای توقف مازوت سوزی در سه نیروگاه کشور در حساب‌کاپری خود در شبکه ایکس‌نوشته: «مسئولیت اجتماعی یعنی هرکسی آثار مفید و زیان‌بار کتیش خود را محاسبه و سپس تصمیم‌گیری کند. با وجود فشار زیادی که بر دستگاه‌های دولتی وارد خواهد شد، دستور شجاعانه‌ای از سوی دکتر پزشکيان، مبنی بر متوقف شدن مصرف سوخت مازوت در آراک و شازند صادر شد. هیچ سیاستی نیز بدون سنجش تأثیر آن و در نظر گرفتن منفعت مردم اتخاذ نخواهد شد. مسئولیت اجتماعی یعنی مراقبت از مردم در قبال هر تصمیم.»

آرامش مله

بهمن آرمان در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

تنش‌های بین‌المللی

مانع تقویت سفره مردم است

بهبود اقتصاد ایران به سیاست خارجی بستگی

دارد نه انتخابات آمریکا

به وجود آمدن چشم‌انداز مثبت در اقتصاد نیازمند

تدبیر ویژه پزشکيان است

«آرمان ملی»- احسان انصاری: در هفته‌های اخیر وضعیت بازار ارز و طلا پر نوسان بوده و به دلیل تنش‌های منطقه‌ای نرخ طلا و ارز افزایش قابل توجهی داشته است. با توجه به برگزاری انتخابات آمریکا برخی گمانه‌ها مبنی بر احتمال بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش قیمت ارز و طلا مطرح شده است، اما هنوز رویکرد منسجم و پایداری از دولت برای

◀ **با توجه به انتخابات آمریکا و احتمال آتش‌بس در غزه**

آیا می‌توان نسبت به وضعیت اقتصادی کشور در سال جاری خوشبین بود؟

اگر بخواهیم واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم، بهبود وضعیت اقتصادی کشور منوط به حل پاره‌ای از مناقشات است و تا زمانی که این مناقشات به سرانجام روشن نرسد، به سختی می‌توان انتظار تغییر و تحول چشمگیر داشت. در شرایط کنونی ایران ارتباطی با بازارهای پولی و سرمایه‌ای جهان ندارد و به همین دلیل هیچ کشوری حتی چین، حاضر نیست تأمین مالی پروژه‌های بزرگ کشور را بر عهده بگیرد چه برسد به کشورهای اروپایی، ژاپن و کره جنوبی. در حال حاضر بخش بزرگی از منابع ارزی ناشی از صادرات ما به سختی به کشور برمی‌گردد. در شرایط تنگنا چشم‌ها به بودجه کل کشور دوخته می‌شود که چطور تنظیم خواهد شد. من معتقدم بودجه‌ای که برای سال آینده در نظر گرفته شده نقایص بزرگی دارد و به احتمال بسیار بخش‌های مهمی از منابع پیش‌بینی شده در بودجه محقق نخواهد شد و دولت با کسری بودجه روبه‌رو می‌شود و در آن صورت باید اسکناس بدون پشتوانه چاپ کند. همه این موارد دست‌به‌دست هم می‌دهد تا نرخ تورم در سال آینده افزایش پیدا کند. در چنین شرایطی سوداگری مالی در بخش مسکن و ارز و طلا افزایش پیدا خواهد کرد. اینها در حالی اتفاق می‌افتد که همین امروز هم فقر در کشورمان غیر عادی است. به دلیل عدم ارتباط با شرکت‌های بین‌المللی و استفاده از تکنولوژی آنها هنوز نتوانسته‌ایم در موضوع کشف ذخایر جدید نفت، گاز و… فعالانه عمل کنیم. با این وجود ایران از نظر تنوع مواد معدنی جزو ۱۰ کشور نخست جهان به‌شمار می‌رود. ایران همچنین دارای چهارمین منابع کشف شده نفت در جهان است.

◀ **آیا تنها حل مشکلات بین‌المللی می‌تواند وضعیت اقتصاد داخلی را بهبود بخشد؟ رویکردی که دولت پزشکيان در زمینه اقتصادی در پیش گرفته به چه میزان امیدبخش است؟**

تنش‌های موجود در روابط خارجی یک مانع مهم است. این عامل در اقتصاد و بهبود وضعیت اقتصادی مردم تا حدی زیادی اثرگذار است. ما از نیمه دولت اصلاحات تا امروز پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری نسبت به تولید ناخالص کشور داریم. دولت‌ها وظیفه دارند در این زمینه فقط منافع ملی و شرایط مردم را در نظر بگیرند. به عنوان مثال به‌رغم اختلافات عمیقی که بین ترکیه و عربستان وجود دارد آقای اردوغان به دلیل اینکه نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد به عربستان و امارات متحده عربی سفرو تلاش می‌کند مسئولان این کشورها را برای سرمایه‌گذاری در ترکیه تشویق کند. نگاه کلی به موضوع پیشرفت و سرمایه‌گذاری می‌تواند چنین نگاهی باشد. اکنون برخلاف اینکه قیمت نفت افزایش پیدا کرده، در زمینه صادرات نفت گاهی با مشکل روبه‌رو می‌شویم و نمی‌توانیم از شرایطی که در بازارهایی جهانی به وجود آمده استفاده کنیم. به صورت طبیعی اگر کشوری درآمد خوبی نداشته باشد نمی‌تواند در زمینه واردات با دست‌باز عمل کند و اگر واردات صورت نگیرد، به صورت طبیعی عوارض گمرکی، سود بازرگانی و امثالهم هم در بین نخواهد بود. مهم‌ترین آسیبی که فقدان یا ناتوانی کسب درآمد به اقتصاد وارد می‌کند این تعطیلی مقطعی یا کامل بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای و پروژه‌های مهم است. به عنوان مثال آزادراهی



بهره‌برداری از این امکان مشاهده نشده و به همین دلیل مشخص نیست دولت در آینده چه برنامه‌هایی برای اقتصادی کشور خواهد داشت و از چه روش‌هایی استفاده خواهد کرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین تحولات و الزامات اقتصادی پس از انتخابات آمریکا با دکتر بهمن آرمان اقتصاددان کثفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

«آرمان ملی»- احسان انصاری: در هفته‌های اخیر وضعیت بازار ارز و طلا پر نوسان بوده و به دلیل تنش‌های منطقه‌ای نرخ طلا و ارز افزایش قابل توجهی داشته است. با توجه به برگزاری انتخابات آمریکا برخی گمانه‌ها مبنی بر احتمال بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش قیمت ارز و طلا مطرح شده است، اما هنوز رویکرد منسجم و پایداری از دولت برای

به دلیل عدم ارتباط با شرکت‌های بین‌المللی و استفاده از تکنولوژی آنها هنوز نتوانسته‌ایم در موضوع کشف ذخایر جدید نفت، گاز و… فعالانه عمل کنیم

نگیرد. مخالفت با پیشرفت و توسعه متوازن و اصولی کشور، خواه ناخواه به معنای همراه و همسو شدن با کشورهای رقیب و دشمن است. برخی از اینکه کشور پیوسته در معرض تهدید و تنش باشد هیچ نگرانی ندارند. واقعیت این است که یک کشور قادر نیست برای مدت طولانی فشارهایی را تحمل کند که در شرایط عادی کمتر کشوری می‌تواند آنها را تحمل کند. بالا رفتن نرخ بیکاری، کوچک‌تر شدن سفره مردم، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق و اعتیاد از جمله مسائلی هستند که باید در حل آنها اهتمام جدی کرد. در زمینه تحریم‌ها نیز باید این نکته را در نظر گرفت که در حل مسأله تحریم‌ها، اروپایی‌ها هیچ نقشی ندارند. در واقع ایران و آمریکا دو سوی ماجرا بوده و از قدرت تعیین‌کنندگی برخوردارند. نکته‌ای که باید در نظر گرفته شود این است که با وجود تحریم‌ها، کشور از برخی سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی‌ها رنج می‌برد. به عبارت دیگر فقط تحریم‌ها در اقتصاد کشور نقش مخرب بازی نمی‌کند و مسائل مربوط به مدیریت هم باید در نظر گرفته شود.

◀ **مهم‌ترین دلایل نوسان بازار ارز و طلا در هفته‌های اخیر و در حالی که تنش بین ایران و اسرائیل تا حدودی فروکش کرده چیست؟ این نوسان تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد؟**

در حدود سی یا چهل درصد قیمت ارز در ایران جنبه روانی دارد و براساس متغیرهای مختلف کم و زیاد می‌شود. در نتیجه در کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت همه چیز به این بستگی خواهد داشت که ایران چگونه می‌تواند از سیاست‌های تنش‌زدا به خوبی استفاده کند. بدون تردید اگر این اتفاق رخ بدهد نرخ ارز در ایران کاهش پیدا خواهد کرد. نکته دیگری که در میان مدت برای ایران اهمیت دارد این است که با درپیش گرفتن سیاست‌های تنش‌زدا می‌توانیم تعداد قابل توجهی از پروژه‌های توسعه‌ای کشور را در زمینه‌های مختلف به نتیجه برسانیم و با ورود سرمایه خارجی و امکان تأمین پروژه‌های توسعه‌ای از طریق بازارهای مالی جهان نرخ بیکاری نیز در کشور کاهش پیدا خواهد. همه این مسائل به سیاست‌های تنش‌زدا و امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور بستگی دارد. اگر این اتفاقات رخ بدهد روی زندگی مردم تأثیر مستقیم خواهد داشت. علاوه بر روی وضعیت نسبی این وضعیت بدون برنامه و اندیشه ممکن نیست. نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که همه مشکلات اقتصادی کشور متأثر از تحریم‌های بین‌المللی نیست. شاید چهل درصد مشکلات اقتصادی متأثر از تحریم‌ها باشد و بقیه آن متأثر مسائل مربوط به ناکارآمدی است. نیازی نیست که در برخی موضوعات معمول اقتصادی نگاه سخت‌گیرانه حاکم باشد. باید دست‌بخش خصوصی برای کمک به وضعیت اقتصاد تا جایی که ممکن است باز باشد و برای این کار لازم است تاجای ممکن نگاه انسانی‌ت را به حد اقل رساند. اعمال این روش‌ها در اقتصاد از زمان دولت‌های نهم و دهم رایج شد. این وضعیت همچنان هم ادامه دارد و اجازه نمی‌دهد افراد توانمند و نجبه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی حضور داشته باشند. ساختن مسکن و آزادراه‌ها در کشور که متأثر از تحریم‌ها نیست. اگر مسئولان کشور به واقع نگران وضعیت مردم هستند باید به خوبی به پیامدهای ناگوار مشکلات اقتصادی فکر کنند.

عبدالکریم حسین زاده:

استان‌ها باید به حق واقعی خود از ثروت ملی برسند

همزمان چندین نوع فقر را تجربه می‌کنند. مبارزه با فقر و نابرابری در انواع مختلف خود نیازمند برنامه‌ریزی شفاف است تا همگان در ایران اسلامی در توزیع ثروت و قدرت امکان دسترسی‌زدایی‌ای است تا به سمت توسعه از جامعه‌ای ادامه داد: محوریت تمام کارهای ما عدالت و انصاف و پیوست عدالت است که تأکید رهبری است. توسعه متوازن و عادلانه در کشور را پیگیری می‌کنیم تا انحراف معیارها حداقل جبران شود و استان‌هایی که در رده پایین توسعه یافتگی هستند به حق واقعی خود از ثروت ملی برسند. معاون رئیس جمهوری در امور توسعه روستایی و مناطق محروم کشور درباره برنامه‌های این معاونت جهت

تلنگر

بغداد، تهران و آنکارا را دور می‌زند؟

خواب آشفته اعراب

پروژه «جاده توسعه» عراق ابتکاری جسورانه و ضروری برای کشوری است که دهه‌ها با جنگ داخلی، درگیری‌های قومی و مذهبی و تنش‌های ژئوپلیتیکی دست‌به‌گریبان بوده است. پروژه ۱۷ میلیارد دلاری «مسیر توسعه» (که از این پس به‌عنوان جاده توسعه یا پروژه نامیده می‌شود) با هدف تبدیل عراق به مرکز حمل‌ونقل تعریف می‌شود؛ مرکزی که با اتصال مناطق داخلی آن به مرز ترکیه در شمال، و مناطقی وسیع‌تر به‌عنوان یک محرک اصلی شکوفایی اقتصاد در هر دو کشور عمل می‌کند. جاده توسعه بخشی از روند گسترده‌تری از ابتکارات مرتبط با یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای است که نقش مهمی در کاهش تنش‌ها دارد. عراق، ترکیه، قطر و امارات متحده عربی همه سهام‌داران امضاکنندگان این پروژه هستند. مشارکت دوحه و ابوظبی نیز قابل توجه است، زیرا گرم‌شدن روابط در شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را از زمان پایان بحران ۲۰۱۷ بین قطر و همسایگانش در سال ۲۰۲۱ به رخ می‌کشد.

هراس از نفوذ ایران

بهبود روابط عراق با شورای همکاری خلیج فارس نکته‌ای قابل تأمل است. کشورهای حاشیه خلیج فارس سرمایه‌گذاری‌ها و تعهدات قابل توجهی در عراق دارند و این روابط می‌تواند به آزمونی برای مشارکت آنها در جاده توسعه تبدیل شود. بعید است که دوحه یا ابوظبی به تعهدات خود در این پروژه عمل کنند؛ مگر اینکه تعاملات اقتصادی قبلی این گروه از بازیگران در عراق، انتظارات آنان را برآورده کند. از سوی دیگر، کشورهای امضاکننده پروژه خلیج فارس و همچنین ترکیه، به خوبی این موضوع را زیر نظر خواهند داشت که آیا عراق می‌تواند خنثای امن باشد یا خیر. علاوه بر روابط اربیل و بغداد، این امر همچنین مستلزم بهبود روابط بین‌نخبگان حاکم بغداد و جامعه سنی عرب. از جمله رهبران سیاسی آن مانند محمد الحلبوسی و خمیس انجمن است. تلاش‌های بین‌فرقه‌ای برای ایجاد ائتلاف، به بهبود روابط عراق با ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس کمک کرده است. عربی و حلبوسی، روابط قوی با امارات متحده عربی، قطر و ترکیه دارند. نخبگان سیاسی سنی عرب و طبقه سیاسی شیعه حاکم نیز به احتمال زیاد دامنه و میزان مشارکت شورای همکاری خلیج فارس در این پروژه را شکل خواهند داد؛ دقیقاً به همان صورتی که تعامل شورای همکاری خلیج فارس با عراق، توسط سیاست‌های فرقه‌ای دولت‌های قبلی عراق شکل گرفته بود. در حالی‌که این پروژه برای عراق و شرکای آن اهمیت راهبردی دارد، به همکاری بلندمدت منطقه‌ای نیز مبتنی است. در چنین شرایطی، ایران و متحدانش از نزدیک نظاره‌گر خواهند بود تا ارزیابی کنند که آیا این طرح تهدیدی برای تغییر موازنه قدرت در عراق است یا خیر؛ چرا که توسعه زیرساخت‌های بندری تهدیدی ژئواستراتژیک و تجاری به‌شمار می‌رود. پس توسعه «ام‌قصر» و «فاوم» می‌تواند جایگاه اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا بنادر ایران در حال رقابت با بندر «فجیره» و «جل‌جلی» امارات متحده عربی هستند.

همچنین در درازمدت، ایران باید اطمینان حاصل کند که از این بنادر به‌عنوان پایگاهی برای حضور نیروهای خارجی متخاصم استفاده نشود. علاوه بر این، تهران ممکن است این پروژه را یکی بزرگ برای ایجاد یک حوزه نفوذ هو سو با ترکیه و شورای همکاری خلیج فارس، ببیند. به‌ادای ناظران، ایران می‌تواند این پروژه را به عنوان یک تهدید ببیند؛ عراق و کویت نیز قبلاً بر ساخت بندر مبارک‌الکبیر در جزیره بوبیان در فاصله چند کیلومتری از ساحل عراق، اختلاف داشتند.

بغداد: کلان‌مهم‌افزایی

در مسیر توسعه «مسیر توسعه» چالش‌هایی هم قرار دارد. عراق از فساد گسترده و خطر باگزشت درگیری‌های رنج می‌برد. این در حالی است که تحقق این پروژه بر همکاری و حمایت همسایگان عراق منکی است. در نتیجه، تعدادی از فعالیت‌های ژئوپلیتیکی داخلی باید به نفع دولت بغداد عمل کند تا این پروژه محقق شود، هرچند که مسئولیت پیش‌روی اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه بر عهده عراق است. با این حال، مشارکت ترکیه به‌عنوان یک شریک پیشرو می‌تواند به کاهش چالش‌های ژئوپلیتیکی که پروژه با آن مواجه است، کمک کند. اعتبار ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در این منطقه، عراق در کاهش نگرانی‌های همسایگانیش در همین بازه مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. در این میان نقش کشورهای خلیج فارس در پروژه، شناسایی مناطق اصلی اختلاف یا خطوط قرمز و ایجاد اجماع میان گروه‌های رقیب است.